

## مهدویت، جامع ابرمرد نیچه و انسان کامل فلسفه

ابوالحسن قاسم فام<sup>۱</sup>

### چکیده

آموزه «مهدویت»، از جمله آموزه‌های اسلامی است که در تبیین و توضیح آن، از اصطلاحات مختلفی استفاده شده است که «انسان کامل» از جمله آن تعابیر می‌باشد. در قرون اخیر، از سوی جهان غرب نیز بعضی از اصطلاحات به کار رفته است که تطبیق آن بر مهدویت جای بحث و تأمل دارد. «ابرمرد» نیچه از سنخ چنین اصطلاحاتی است. برخی اندیشمندان در مقام مقایسه بین دو اصطلاح «انسان کامل» و «ابرمرد»، رابطه «این همانی» برقرار کرده و برخی دیگر، رابطه آن دو را «تغایر» می‌دانند. در این پژوهش، با روش «توصیفی-تحلیلی»، بعد از تبیین این دو واژه، به تحلیل رابطه بین آن‌ها پرداخته شده است. نتیجه این نوشتار آن است که ویژگی‌های ابرمرد نیچه با انسان کامل عرفا مقایسه و تطبیق نمی‌پذیرد؛ گرچه می‌شود وجه مشترکی برای آن دو یافت و آن، موعود گرایی و تفکر انتظارگرایانه است.

**واژگان کلیدی:** آموزه مهدویت، تطابق، تغایر، ابرمرد، نیچه، انسان کامل.

«مهذویت»، آموزه‌ای است با نگرش منجی‌گرایانه و گرچه برخی آن را به زبان نیاورند؛ همگان نسبت به آن، احساس نیاز می‌کنند. این احساس نیاز با رویکردها، تعابیر و دیدگاه‌های مختلفی می‌تواند همراه باشد: هنرمند با رویکرد هنری، فیلسوف با نگرش فلسفی، عارف از نظرگاه عرفانی و ... برخی از عرفا و فیلسوفان اسلامی، در آثار خود، اصطلاح «انسان کامل» را به کار برده و تنها مصداق آن را در عصر حاضر، امام مهدی علیه السلام دانسته‌اند.<sup>۱</sup> همچنین در نگرشی به جهان غرب، با پیدایش بعضی اصطلاحات، مانند «ابرمرد» مواجه می‌شویم که اندیشمندان در تحلیل آن، دو راه مختلف را برگزیده‌اند: برخی قائلند که مراد از ابرمرد، همان انسان کامل در بین عرفا و فیلسوفان است و برخی دیگر معتقدند که این دو، رابطه «این همانی» ندارند.<sup>۲</sup> ریشه این اختلاف به نوع برداشت از عبارات نیچه بر می‌گردد. نکته قابل توجه دیگر این که برای آگاهی به این مطلب، باید به آثار نیچه اشراف داشت تا بتوان در سایه آن، نظریه درست را برگزید.

در باب تحلیل رابطه بین ابرمرد و انسان کامل، پژوهش‌هایی انجام شده است که هر کدام به نوبه خود ارزشمند است. از بین آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱. کتاب «مولوی، نیچه و اقبال»، نوشته خلیفه عبدالحکیم و ترجمه محمد بقایی (ماکان). این کتاب از سه مقاله فراهم آمده که زمینه‌ای مشترک دارند و مترجم از سه مأخذ گرد آورده است. این مقالات عبارتند از: «مولوی، نیچه و اقبال»، از دکتر خلیفه عبدالحکیم، «تأثیر مولوی در هنر و اندیشه اقبال»، از دکتر محمد اکرام و «بررسی تطبیقی اشعار مولوی و اقبال»، از دکتر سید نعیم الدین. این سه مقاله، روشنگر بسیاری از شبهات است که در مورد شاعری و تفکرات فلسفی اقبال به عمد یا از سر ناآگاهی مطرح می‌شود. ارتباط منطقی این مقالات، زیر بنای تفکرات اقبال و پرورش عناصر آن در خمخانه ذهن اوست. ۲. مقاله «مقایسه دو دکتربین؛ ابر انسان در تفکر نیچه و انسان کامل

۱. محمدیان، انسان کامل از منظر امام خمینی، ص ۱۳۹ و حسن زاده آملی، انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، ص ۶۱.

۲. برزگر و سلگی، جستاری در فهم تفارق و تشابه ابرمرد فریدریش نیچه و انسان کامل اقبال لاهوری، ص ۲۴۷-۲۴۸.

در نزد عرفا»، نوشته فرح رامین. نویسنده در این مقاله به مقایسه الاهی تطبیقی در باب ایده ابر انسان در تفکر نیچه با اعتقاد به وجود انسان کامل در تفکر عرفانی به معنای عام و دکتترین مهدویت شیعی به نحو خاص، پرداخته است. ۳. مقاله «جستاری در فهم تفارق و تشابه ابرمرد فریدریش نیچه و انسان کامل اقبال لاهوری»، نوشته ابراهیم برزگر و محسن سلگی. مقایسه ابرمرد نیچه و انسان کامل اقبال لاهوری موضوع نوشتار مذکور است تا وجوه افتراق و اشتراک آن‌ها هویدا شود.

امتیاز تحقیق پیش‌رو، تجمیع و تکمیل مطالب پراکنده در این موضوع به همراه جمع‌بندی نهایی در این زمینه می‌باشد.

هدف و غایت این پژوهش اثبات احساس نیاز همگانی به بحث منجی و بحث انتظار است. این هدف به نتیجه تحقیق ربطی ندارد؛ به این معنا که چه اثبات شود که ابرمرد نیچه همان انسان کامل است و چه اثبات نشود؛ در هر صورت، هدف مذکور تحقق می‌یابد؛ زیرا همان دغدغه و احساس نیاز همگانی است که آدمی را به تحلیل و مقایسه این دو واژه سوق می‌دهد و در نتیجه اثبات می‌کند که آموزه نجات و انتظار، آرزوی بشر است؛ گرچه انسان‌ها در مصداق منجی و شخص منتظر اختلاف دیدگاه داشته باشند.

اهمیت و ضرورت این پژوهش، در یافتن پاسخ این سؤال است که آیا نگرش منجی‌گرایانه در اندیشه اندیشمندانی همچون نیچه نیز که نیهیلیسم در آن‌ها تبلور یافته است، وجود دارد یا نه؟ اگر پاسخ مثبت است، وجود این نگرش، تا چه حدّ و میزانی می‌باشد؟ برای رسیدن به مطلوب، مفهوم شناسی دو واژه «ابرمرد» و «انسان کامل» و ویژگی‌های آن دو ضرورت دارد:

## چیستی ابرمرد نیچه

«ابرمرد» که معادل‌های مختلفی برای او، همچون «ابرانسان»، «ما فوق بشر»، «از ما بهتران»، «فرا انسان»، «زبر مرد» و «مرد برتر» برایش ذکر شده؛<sup>۱</sup> واژه‌ای است که نیچه در «چنین گفت زرتشت»، به کار می‌برد<sup>۲</sup> و عالی‌ترین هدف یا دست کم یکی از اهداف نیچه است.<sup>۳</sup> نیچه در بخشی از کتاب «چنین گفت زرتشت» می‌نویسد: «از خدایان هیچ نگویید؛ اما ابرانسان را چه نیک می‌توانید بیافرینید. برادران! ای بسا خود نتوانید، اما توانید خود را چنان باز آفرینید که پدران و نیاکان ابرانسان باشید. این باشد بهترین آفرینش شما.»<sup>۴</sup> در جای دیگر می‌گوید: «ابرانسان آذرخشی است که از دل ابر تیره انسان بیرون می‌آید.»<sup>۵</sup> نیچه در یک عبارت دیگر، ابرانسان را چون دریایی می‌داند که رود آلوده بشر را پالوده خواهد کرد. او از تمام نیروهای بازدارنده و منفعل انسان معمول به دور است و چیرگی بزرگ او در قدرت آفرینندگی اوست که او را بر مسند تاریخ بشر خواهد نشاند.<sup>۶</sup>

نظریه ابرمرد، عصاره تفکر فلسفی نیچه است. وی می‌کوشد با نقد فلسفه‌های پیش از خود، بستر لازم را از لحاظ ساختن انسان مورد نظر خویش، یعنی همان ابرمرد فراهم کند.<sup>۷</sup> ابرمرد از منظر نیچه - چنان‌که پیرسون تأکید دارد - در دو مرحله شکل می‌گیرد: یکی فرورفتن به حیوانیت و دیگری فرارفتن به ابرانسان.<sup>۸</sup> مارتین هیدگر نیز ابرانسان را چنین شرح می‌دهد:

۱. مؤسسه آینده روشن، مجموعه آثار دومین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، ص ۸۹.

۲. همان، ص ۸۸.

۳. صناعی دره بیدی، پیام نیچه، ص ۱۰۰.

۴. نیچه، چنین گفت زرتشت، ص ۹۸.

۵. همان، ص ۲۴.

۶. همان، ص ۲۳.

۷. عزیزخانی و عالمی، نظریه ابرمرد و تقد آن از منظر آموزه‌های دینی و مبانی عقلی، ص ۱۳۷.

۸. پیرسون، هیچ انگار تمام عیار (مقدمه‌ای بر اندیشه سیاسی نیچه)، ص ۱۵۶-۱۵۷.

نیچه با نام ابرانسان به هیچ وجه به انسانی ما فوق تصور، از نوعی که تاکنون شایع شده است؛ اشاره نمی‌کند. به گونه‌ای از انسان که از همه صفات انسانی عاری باشد و اراده محض را قانون خویش و خشم دیو آسا را فرمانروای خویش ساخته باشد نیز اشاره نمی‌کند، بلکه ابرانسان، انسانی است که از انسانیت پیشین خود فراتر می‌رود تا فقط چنین انسانیتی را نخستین بار به ذاتش هدایت کند؛ ذاتی که هنوز نامتوصل است و انسانیت را در آن ذات راسخ کند.<sup>۱</sup>

## ویژگی‌های ابرمرد

با جست و جو در آثار نیچه و نویسندگان درباره نیچه، می‌توان خصوصیات زیر را برای ابرمرد او مطرح کرد:

### ۱. خطر کردن

اگر تربیت سنتی حاکم شود و ارزش‌های متداول غلبه کند، قهرمان گرفتار ابتذال و روزمرگی می‌شود و ضعف جای جوانمردی و ترحم جای استقامت را خواهد گرفت. در کتاب «چنین گفت زرتشت» آمده است:

در میانشان چندان خوبی می‌بینم که ضعف، چندان دادگری و رحم که ضعف. با یکدیگر صاف و با انصاف و خوب‌اند؛ چنان که دانه‌های شن صاف و با انصاف و خوب‌اند با دانه‌های شن. فروتنانه در آغوش گرفتن یک نیک بختی کوچک را تسلیم و رضا می‌نامند و در همان حال، از زیر چشم، فروتنانه به دنبال نیک بختی کوچک دیگری می‌گردند. از ته دل ساده‌لوحانه، از همه بیش خواهان‌اند که کسی ایشان را آزار نرساند. از این رو، به پیشباز هر کس می‌روند و با او کنار می‌آیند؛ اما این چنین است؛ اگر چه فضیلت نامندش.<sup>۲</sup>

۱. هیدگر و دیگران، زرتشت نیچه کیست؟، ص ۱۲.

۲. نیچه، چنین گفت زرتشت، ص ۲۲۸.

برای پرهیز از این‌گونه ضعف‌های تحمیلی، قهرمان باید خطر کند. با خطر کردن می‌توان از خطر ابتدال و روزمرگی در امان بود. خطر کردن به پیش و گذشتن از سنت‌های باقی‌مانده از اعصار اسطوره‌ای، وضعیت را برای ورود به آفرینش و خلاقیت و وصول به مقام قهرمانی فراهم می‌کند.<sup>۱</sup> یاسپرس می‌نویسد:

انسان قهرمان سرشت، در پی تأثیر عاطفی نیست. شرمندگی از تأثیر عاطفی از نشانه‌های مشخص قهرمان است. نشانه بنیادین قهرمان، خطر کردن است و انگیزه بنیادی هستی قهرمانانه، خواست زندگی مخاطره‌آمیز است، در آن جا که باید خطر کرد: خطر کنان زیستن! این است راز پربارترین برداشت محصول از وجود.<sup>۲</sup>

## ۲. عامل و فعال بودن

از دیگر صفات ابرمرد، جنبه فعالانه و اهل عمل بودن اوست و این چیزی است که نیچه آن را در وجود «ناپلئون و بیسمارک» می‌بیند که در وجود آن‌ها نه تنها جنگ و شمشیرزنی، که اراده معطوف به حیات و زندگی آشکار است. از منظر نیچه، شغل نظامی والاترین شغل‌هاست و به این دلیل، وی نظام آموزشی آینده را نظام آموزشی ارتشی و نظامی تصویر می‌کند و می‌گوید: «آینده از نظر من یک آموزش و پرورش دارالفنونی سخت‌گیرانه، خدمت نظام است؛ به گونه‌ای که به طور متوسط، هر انسان طبقات برتر باید یک افسر باشد، صرف نظر از هر چیز دیگری که ممکن است باشد.<sup>۳</sup>

۱. صناعی دره بیدی، پیام نیچه، ص ۱۱۳.

۲. یاسپرس، نیچه، ص ۵۴۰.

۳. نیچه، اراده قدرت، ص ۶۰۵.

### ۳. تنهایی و خود اتکایی

نیچه «تنهایی» و «خود اتکایی» را از عوامل آفرینشگری می‌داند.<sup>۱</sup> ابرمرد نیچه، تنهاست و تنها بر خودش تکیه دارد. نیچه انسانی فردگراست در مقابل فرد فاشیست یا نازیست که جمع گراست. در فاشیسم فردگرایی مضمحل شده است؛ ولی نیچه فرد والایی را می‌خواهد که شجاعتش را از خود می‌گیرد، نه از اتکا به دیگران و جمعیت.<sup>۲</sup> ابرمرد نمی‌تواند فرمان بردار کسی باشد، پس چگونه می‌تواند در دولت قرار بگیرد که نظام اطاعت است؟ ابرمرد، زیردست هیچ موجودی نباید باشد. از این رو، تا خدای فرادستی موجود باشد، ابرمرد به وجود نخواهد آمد.<sup>۳</sup> با وجود منجی‌گرایی ظاهری نیچه، او تنها به نجات و انقلاب فردی معطوف است.<sup>۴</sup>

### ۴. مظهر میل به قدرت

از منظر نیچه، تنها اصل اخلاقی ابرمرد، «میل به قدرت» است. نیچه انگیزه محوری بشر را همان میل به قدرت می‌پندارد و بر این عقیده است که انگیزه‌های بنیادین که تمامی رفتارهای ما را باعث می‌شوند؛ از این منبع تغذیه می‌شوند. اگر چه پیکر چنین نیروی محرکه‌ای در طی دوران متوالی با رنگ و لعاب‌های مختلفی تزیین شده است؛ هیچ‌گاه این پوشش‌ها نتوانسته‌اند وجود آن را تحت الشعاع قرار دهند. از دیدگاه نیچه، میل به قدرت در انسان، به صورت ارزش‌گذاری و کشش به سوی برترین ارزش‌ها نمایان می‌شود؛ زیرا انسان به ذات خود موجودی ارزش‌گذار است.<sup>۵</sup>

۱. همان، تأملات نابهنگام، ص ۳۰۱.

۲. همان، تبارشناسی اخلاق، ص ۵۶.

۳. استرن، نیچه، ص ۱۴۹.

۴. اشتراوس، فلسفه سیاسی چیست؟، ص ۷۰.

۵. نیچه، چنین گفت زرتشت، ص ۳۵۵.

## ۵. بدیل خدا و انسان

از نگرگاه‌های اصلی نیچه، خدا ناباوری و دشمنی با مفهوم خداست. او بر آن است که ابرمرد، تنها در صورت انکار خدا و پس از آن است که امکان تولد می‌یابد.<sup>۱</sup> به طور کلی نیچه خدا را وهم و زاییده ترس می‌داند.<sup>۲</sup> از نظر او با مرگ خدا امکانات برای آزادی بشر فراهم می‌شود و می‌گوید که اگر انسان نیروی خود را مصروف خیالات پس از مرگ نکند، می‌تواند از تمامی استعداد‌های خود در این جهان استفاده کند.<sup>۳</sup> نیچه خدا آگاهی را زاییده ترس انسان و مسکنی موقت برای دردهای او می‌پندارد.<sup>۴</sup>

همان گونه که ابرمرد پس از مرگ خدا متولد می‌شود، نیچه بر آن است که پس از مرگ انسان و عبور از آن، ابرمرد ظهور خواهد کرد؛ یعنی ابرمرد موجودی متفاوت و غیر از خدا و انسان است.<sup>۵</sup> در مورد ابرمرد نیچه گفته شده: «... در آن ساعتی از عالم که واپسین انسان فرا می‌آید، هنگامی است که ابر بشر آفریده می‌شود...»<sup>۶</sup>

## ۶. بنیادگرایی

بنیاد اندیشه نیچه را باید در «فروریزی بنیادها» دانست. اگر ابرمرد، عصاره فلسفه نیچه باشد؛ انکار، عصاره ابرمرد است. عمارت ابرمرد در نظر نیچه بر روی خرابه‌های بنیادهای پیش ساخته بنا می‌شود. وی بر آن است که آدم امروزی (مدرن) غریزه اطمینان بخش ندارد. نتیجه این است که نمی‌تواند کاری و چیزی پرداخته و پخته پدید آورد. وی هیچ‌گاه نمی‌تواند به تنهایی پس افتادگی آموزها را جبران کند، مگر با فروریختن بنیادهای پیش ساخته برای

۱. پیرسون، هیچ انگار تمام عیار (مقدمه‌ای بر اندیشه سیاسی نیچه)، ص ۱۵۱.

۲. نیچه، اراده قدرت، ص ۳۹.

۳. میرسپاسی، تأملی در مدرنیته ایرانی، ص ۲۳۹.

۴. نیچه، انسانی زیاده انسانی، ص ۱۸۴.

۵. برزگر و سلگی، جستاری در فهم تفارق و تشابه ابرمرد فریدریش نیچه و انسان کامل اقبال لاهوری، ص ۲۵۰-۲۵۱.

۶. فینک، زند آگاهی فلسفه نیچه، ص ۱۱۲.

پرداختن ابرمرد. انسان مورد نظر نیچه بازنگری عمیقی در بنیادهای مورد باور خود می‌کند تا به طریقی دیگر خود را بشناسد.<sup>۱</sup> به همین دلیل وی تأکید می‌کند که «ولع ما و اراده ما در به دست آوردن شناسایی، نشانه‌ای از فروریزی و نیست‌گرایی بزرگ است.»<sup>۲</sup>

نیچه در راه مقابله با بنیادها، هیچ‌گونه بنیادی را بر نمی‌تابد. وی در این مسیر گاه با دولت در می‌افتد<sup>۳</sup>؛ گاهی به خرد می‌تازد<sup>۴</sup> و گاهی اعتقاد به سیر تکاملی تاریخ را موجب انحطاط، و فراموشی تاریخی را لازمه انسان برساخته خود می‌داند.<sup>۵</sup>

## ۷. آزادی و آزادی

از دیدگاه نیچه، قهرمان و ابرمرد موجودی است مستقل، بی‌نیاز از دیگران، متکی به خود، مسئول کار و زندگی خویش و آزاد از هر قید و بند تحمیلی دیگران و یک ابرمرد، مغرور و آزاد، شاد و آرام، از لحاظ جسمانی و فکری نیرومند و بزرگ‌ترین بله‌گوی حیات است. او دیونوسوس واقعی است. او حتی دعوت ابدی را لبیک می‌گوید؛ زیرا به حیات آن طور که هست بله می‌گوید.<sup>۶</sup>

## ۸. ارادت به دانش، معنویت، آفرینش و سازندگی

نیچه معتقد است که ابرمرد، مرید دانش، معنویت، آفرینش و سازندگی است. او می‌نویسد:

می‌توان ابرمرد را به خاطر داشتن عشق شناخت و میل به کشف (دیدن یا قوه بصیرت) واقعیات جهان کاشف (اهل کشف)، بینا یا عارف شمرد؛ یعنی با برخوردارگی از غنای تخیل، فکر و ذات خلاق این آزاداندیش «بینا» قادر است با قوه بصیرت و رؤیای‌پروری قدم در عرصه شکوهمند عالم مثال بگذارد؛ اقلیمی که در آن ذهن عینیت پیدا می‌کند و عین

۱. عزیزخانی و عالمی، نظریه ابرمرد و تقد آن از منظر آموزه‌های دینی و مبانی عقلی، ص ۱۳۸.

۲. نیچه، اراده قدرت، ص ۸۹-۹۰.

۳. همان، ص ۷۸.

۴. همان، ص ۶۱.

۵. همان، سودمندی و ناسودمندی تاریخ برای زندگی، ص ۲۱-۲۵.

۶. کاپلستون، نیچه فیلسوف فرهنگ، ص ۱۵۱.

به ذهنیت مبدل می‌شود. بدون شک، این کاشف عالم مثال راد مردی است که بر خویشتن خویش مسلط و از اندیشه، انرژی، تخیل و خلاقیت لبریز می‌باشد.<sup>۱</sup>

### چیستی انسان کامل

«انسان کامل» را که از او با القابی چون «کون جامع»، «قطب عالم»، «خلیفه»، «امام»، «اکسیر اعظم»، «دانا»، «مهدی»، «پیشوا» و «هادی» تعبیر می‌شود<sup>۲</sup> انسانی دانسته‌اند متخلق به اخلاق الاهی، علت غایی خلقت، سبب ایجاد و بقای عالم، متحقق به اسم جامع الله، واسطه میان حق و خلق، خلیفه بلامنازع خدا که علم او به شریعت و حقیقت قطعیت یافته<sup>۳</sup> و مظهر اتم اسمای حسنای الاهی و آیینه تمام نمای خدا است.<sup>۴</sup> چنین انسانی را که دارای اقوال نیک، افعال نیک و اخلاق نیک است، راهنمای خلائق در ظاهر و باطن دانسته‌اند؛ کسی که صفات و اخلاق الاهی در او جمع شده و به آفات روحی انسان‌ها و راه‌های شفای آن آشنا است و با هویت متعالی الاهی وحدت ذاتی پیدا کرده است و در نهایت زبده و خلاصه موجودات است و دیگران طفیل وجود او هستند.<sup>۵</sup>

### ویژگی‌های انسان کامل

در متون عرفانی برای انسان کامل فضایل و ویژگی‌هایی برشمرده‌اند که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

۱. نیچه، واپسین شطحیات، ص ۷۷-۷۸.
۲. نسفی، الانسان الكامل، ص ۷۵.
۳. مایل هروی، انسان کامل، ص ۳۷۳.
۴. مطهری، انسان کامل، ص ۴-۵.
۵. ابن عربی، الفتوحات المکیة، ج ۱۳، ص ۱۲۹ و نسفی، الانسان الكامل، ص ۲۶۹ و ۳۵۷.

## ۱. روح هستی

«انسان کامل» به سبب بخشش صورت الاهی به او، همانند روح برای عالم است؛ یعنی همان طور که بدن در سیطره روح قرار دارد؛ عالم نیز در سیطره و تدبیر انسان کامل به شمار می‌رود. این قدرت تسخیر به این دلیل است که او جمیع حقایق و اسمای الاهی را در خود دارد. در فصوص الحکم آمده است: «انسان کامل را روح هستی و عالم دانسته‌اند؛ عالمی که مانند جسد او است. از این منظر، انسان کامل در عالم تصرف کرده است و آن را اداره می‌کند و چنانچه نباشد عالم از همه کمالات تهی می‌شود.»<sup>۱</sup>

## ۲. مظهر اسما و صفات خدا

انسان کامل را به عنوان خلیفه خدا و مظهر کامل اسما و صفات خدا و اسم جامع الله معرفی کرده‌اند.<sup>۲</sup> او به تنهایی و با جامعیت خویش همه اوصاف جمال و جمیع اسمای حسنی او را به نمایش گذاشته است.<sup>۳</sup>

## ۳. عبودیت و فنا

«عبودیت انسان کامل»، عبودیت مطلق دانسته شده است؛ بدین معنا که از انانیت خود خارج و در ذات و صفات خدا فانی شده<sup>۴</sup> و به مقام کمال انقطاع الاهی رسیده است.

## ۴. یگانگی و وحدت

انسان کامل به لحاظ اصل و ریشه یک «حقیقت» است که از آن به «حقیقت محمدیه» تعبیر می‌شود،<sup>۵</sup> ولی بر حسب اقتضائات و زمان‌های متفاوت، مظاهر و

۱. ابن عربی، فصوص الحکم، ص ۵۰.

۲. همان، الفتوحات المکیة، ج ۱۳، ص ۱۰۰.

۳. صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، ج ۲، ص ۳۱۳.

۴. قیصری، شرح فصوص الحکم، ص ۳۳۸-۳۳۹.

۵. فناری، مصباح الانس، ص ۳۳۸-۳۳۹ و خمینی، مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية، ص ۲۵.

تجلیات متعددی در صورت‌های پیامبران و اولیای معصوم پیدا می‌کند.<sup>۱</sup> قرآن پیامبران را پشتیبان و تایید کننده همدیگر می‌داند<sup>۲</sup> که هیچ تفرقه‌ای میان آنان نیست.<sup>۳</sup> البته همین مصادیق نیز بر اساس آیات قرآن، برخی بر دیگران برتری دارند.<sup>۴</sup>

## ۵. علم و قدرت

انسان کامل را به عنوان خلیفه خداوند، مظهر دو اسم علیم و قدیر خداوند دانسته‌اند. بر همین اساس، طبق آیات قرآن، گستره علم او را تا مرز اطلاع بر غیب، مشاهده ملکوت، دانستن زبان دیگر حیوانات و ... عنوان کرده و قدرت او را نیز تا سرحد خلق و ایجاد و زنده کردن مردگان و ... توسعه داده‌اند.<sup>۵</sup>

## ۶. واسطه بین حق و خلق

اگر انسان کامل موجودی است که حق تعالی به سبب وی به خلق نظر می‌کند و او «انسان العین الحق» است؛ پس واسطه بین حق و خلق به شمار می‌رود و در واقع، همان‌گونه که مردمک دیده بین رائی و مرئی واسطه است؛ فیض الاهی از طریق انسان کامل به خلق می‌رسد.<sup>۶</sup>

## ۷. دارای قول و فعل و اخلاق نیک و معارف

عزیزالدین نسفی می‌گوید:

بدان که انسان کامل آن است که در شریعت و طریقت و حقیقت تمام باشد و اگر این عبارت را فهم نمی‌کنی، به عبارتی دیگر بگویم: بدان که انسان کامل آن است که او را

۱. قیصری، شرح فصوص الحکم، ص ۱۲۸.

۲. صف: ۶.

۳. بقره: ۲۸۵.

۴. بقره: ۲۵۳.

۵. حسن زاده آملی، انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، ص ۷۹.

۶. ابن عربی، فصوص الحکم، ص ۵۰.

چهار چیز به کمال باشد: اقوال نیک و افعال نیک و اخلاق نیک و معارف.<sup>۱</sup>

نسفی گفتار انبیا را «شریعت»، کردار آنان را «طریقت»، و دید و بینش انبیا را «حقیقت» می‌داند. مراد او از معارف در توصیف انسان کامل، هر چهار گونه معرفت است؛ یعنی معرفت دنیا و آخرت و معرفت خود و خدا.

### نسبت بین ابرمرد نیچه و انسان کامل

بر اساس مطالب گذشته، ویژگی‌های ذکر شده برای ابرمرد نیچه با خصوصیات انسان کامل، تفاوت چشمگیری دارند؛ زیرا انسان کامل، همه صفات حسنه را دارد؛ به گونه‌ای که خلیفه الهی و مظهر صفات و اسمای خداوند و روح هستی و عالم به شمار می‌رود؛ در حالی که ابرمرد نیچه تنها به قدرت می‌اندیشد و مؤید خواست نیچه برای اعمال خشونت علیه اکثریت جمعیت جهان است که این جمعیت، به زعم او برده صفتان هستند.

نظریه ابرمرد نیچه، نزد اندیشمندان دینی که رویکردی صلح‌جویانه و انسان‌دوستانه دارند، جایگاهی ندارد، بلکه افراد و احزاب خشونت طلب از این نظریه استقبال می‌کنند. نمونه بارز آن، هیتلر است که با بهره‌گیری از این نظریه، به نهایت سوء استفاده کرد و از آن، نظریه‌ای نژادی و ایدئولوژیک برای سروری آلمان ساخت. لذا باید گفت ویژگی‌های ابرمرد نیچه با انسان کامل عرفا مقایسه و تطبیق نمی‌پذیرد. البته با وجود تمامی اختلافات، می‌شود وجه مشترکی برای آن دو یافت و آن موعود گرایی و تفکر انتظارگرایانه است. گرچه اندیشه‌های الحادی در بعضی از آثار نیچه موج می‌زند؛ ظاهراً مسئله انتظار و امید به آینده، مسئله‌ای فرادینی است که هر آدمی با هر تفکری را به سوی خود جلب می‌کند.

۱. نسفی، الانسان الكامل، ص ۷۴.

## نتیجه گیری

این پژوهش، کوششی نظری برای مقایسه اصطلاح ابرمرد نیچه با اصطلاح انسان کامل عرفا و فیلسوفان است. نتیجه تحقیق آن است که بین این دو اصطلاح، تغایر وجود دارد و با توجه به ویژگی‌هایی که برای هر کدام از ابرمرد و انسان کامل گفته شده است؛ نمی‌توان بین این دو، رابطه این همانی ایجاد کرد. به نظر می‌آید تنها عنوانی که می‌تواند هر دو اصطلاح را زیر یک چتر قرار دهد، عنوان «مهدویت به معنای عام آن» است. مهدویت به معنای عام آن، یعنی اعتقاد به یک منجی و موعود نهایی که امید و آرزوی تک تک آحاد بشر است؛ حتی اگر آن منجی و موعود، صرفاً نمونه‌ای فرضی و غیر واقعی باشد. این، حاکی از نوعی اضطراب و اضطراب همگانی است که در وجود همه موج می‌زند. به نظر می‌رسد همین مسئله، برای اتحاد و برادری بین ملل و نحل مختلف زمینه ساز مناسبی است. امید است که در سایه همین اعتقاد، جامعه جهانی به سوی اندیشه تقریبی سوق یابد و برای عصر پر شکوه ظهور آماده گردد.

## منابع

قرآن کریم.

۱. ابن عربی، محیی‌الدین، **الفتوحات المکیة**، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
۲. \_\_\_\_\_، **فصوص الحکم**، انتشارات الزهراء، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
۳. استرن، جوزف پیتر، **نیچه**، مترجم: عزت‌الله فولادوند، انتشارات طرح نو، تهران، ۱۳۷۳.
۴. اشتراوس، لئو، **فلسفه سیاسی چیست؟**، مترجم: فرهنگ رجایی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳.
۵. برزگر، ابراهیم و سلگی، **جستاری در فهم تفارق و تشابه ابرمرد فریدریش نیچه و انسان کامل اقبال لاهوری**، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳، ۱۳۹۱.
۶. پیرسون، کیت انسل، **هیچ انگار تمام عیار (مقدمه‌ای بر اندیشه سیاسی نیچه)**، مترجم: محسن حکیمی، انتشارات خجسته، تهران، ۱۳۷۵.
۷. حسن زاده آملی، حسن، **انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه**، انتشارات الف لام میم، قم.
۸. خمینی، سید روح‌الله، **مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية**، چاپ سوم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۶.
۹. صانعی دژه بیدی، منوچهر، **پیام نیچه**، چاپ اول، انتشارات نقش و نگار، تهران، ۱۳۸۶.
۱۰. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، **تفسیر القرآن الکریم**، انتشارات بیدار، قم، ۱۳۶۱.
۱۱. عزیزخانی، احمد و عالمی، نظریه ابرمرد و نقد آن از منظر آموزه‌های دینی و مبانی عقلی، دو فصلنامه انسان پژوهی دینی، شماره ۳، ۱۳۹۲.
۱۲. فناری، محمد بن حمزه، **مصباح الانس**، چاپ اول، انتشارات مولی، تهران، ۱۳۷۴.
۱۳. فینک، اویگن، **زندآگاهی فلسفه نیچه**، مترجم: منوچهر اسدی، انتشارات پرسش، آبادان، ۱۳۸۵.

۱۴. قیصری رومی، محمد داود، شرح فصوص الحکم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
۱۵. کاپلستون، فردریک، نیچه فیلسوف فرهنگ، مترجم: بهبهانی و حلبی، انتشارات بهبهانی، ۱۳۷۱.
۱۶. مؤسسه آینده روشن، مجموعه آثار دومین همایش بین المللی دکتربین مهدویت، مؤسسه آینده روشن، قم، ۱۳۸۵.
۱۷. مایل هروی، نجیب، انسان کامل، دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۸. محمدیان، عباس، انسان کامل از منظر امام خمینی، فصلنامه متین، شماره ۲۷، ۱۳۸۴.
۱۹. مطهری، مرتضی، انسان کامل، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۹.
۲۰. میرسپاسی، علی، تأملی در مدرنیته ایرانی، نشر طرح نو، تهران، ۱۳۸۴.
۲۱. نسفی، عزیزالدین، الانسان الكامل، چاپ چهارم، انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۷۷.
۲۲. نیچه، فریدریش، اراده قدرت، مترجم: مجید شریف، انتشارات جامی، تهران، ۱۳۷۷.
۲۳. \_\_\_\_\_، انسانی زیاده انسانی، مترجم: ابوتراب سهراب و محمد محقق نیشابوری، انتشارات مرکز، تهران، ۱۳۸۹.
۲۴. \_\_\_\_\_، تأملات ناپهنگام، مترجم: حسن امین، دایرة المعارف ایران شناسی، تهران، ۱۳۸۳.
۲۵. \_\_\_\_\_، تبارشناسی اخلاق، مترجم: داریوش آشوری، نشر آگه، تهران، ۱۳۷۷.
۲۶. \_\_\_\_\_، چنین گفت زرتشت، چاپ بیستم، مترجم: داریوش آشوری، انتشارات آگه، تهران، ۱۳۸۲.
۲۷. \_\_\_\_\_، سودمندی و ناسودمندی تاریخ برای زندگی، مترجم: عباس کاشف و ابوتراب سهرابی، انتشارات فروزان روز، تهران، ۱۳۸۵.

۲۸. \_\_\_\_\_، **واپسین شطحیات**، چاپ چهارم، مترجم: حامد فولادوند، انتشارات

جامی، تهران، ۱۳۹۳.

۲۹. هیدگر، مارتین و گادامر، فوکو، ديلتای و...، **زرتشت نیچه کیست؟**، گزیده و مترجم:

محمد سعید حنایی کاشانی، شرکت نشر کتاب هرمس، تهران، ۱۳۷۸.

۳۰. یاسپرس، کارل، **نیچه**، مترجم: سیاوش جمادی، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۸۳.